

اثر اقتصاد مقاومتی و تاب آوری اقتصادی بر تحریم اقتصادی

اسرافیل بزارپور^۱

^۱ کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

اسرافیل بزارپور

bazzarpour@gmail.com

چکیده

از آغاز قرن بیستم و یکم، همچون قرن پیش، تحریم اقتصادی به عنوان یک سیاست خارجی پراهمیت و اسلحه مرگبار جایگزین جنگ مطرح است. «تحریم اقتصادی» به معنی اقدامات غیرنظامی که بر انتقال کالا، خدمات و یا سرمایه به یک کشور خاص جلوگیری کرده، بدین ترتیب تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه و یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با اهداف سیاسی دولت تحریم کننده و یا بیان ناخرسندی کشورهای تحریم کننده از اقدامات و رفتارهای آن کشور است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعمال تحریم‌های ضعیف، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته، ولی تحریم‌های متوسط و قوی در کوتاه مدت به ترتیب با ضرایب ۰/۰۰۹۸ و ۰/۴۳ تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد اعمال تحریم‌های ضعیف و قوی در بلندمدت تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته ولی تحریم‌های متوسط با ضریب ۰/۰۲۴ در بلندمدت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. تحریم اقتصادی، دشواری فراوان و ویژه را به دنبال داشته است، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصاد متناسب با این چالش‌ها و تهدیدها، فرامی‌خواند. اقتصاد مقاومتی بنیان نظری و عملی برای مدل‌سازی گونه‌ای ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها، پیش از پیش آماده ساخته است. در چنین فضایی، تحریم‌های اقتصادی نه تهدید بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آن‌ها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آن‌ها را تسریع کرد. از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی، مدیریت مخاطرات است که به نظر بسیاری از پژوهشگران، تاب‌آوری یکی از مهم‌ترین موضوعات برای دستیابی به این هدف است. زمانی یک سیستم اجتماعی تاب آور است که بتواند مخاطرات موقت یا دائم را جذب کرده و خود را با شرایط به سرعت در حال تغییر انطباق دهد، بدون اینکه کارکرد خود را از دست بدهد. آگاهی از این حوزه می‌تواند در اجرایی نمودن و ارزیابی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و شاخص سازی برای آن مفید و مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اقتصادی

مقدمه

ظهور انقلاب اسلامی ایران، در فضای سیاسی و علمی عصر کنونی، معادلات جدیدی را در این عرصه ها رزم زده است. معادلاتی که هرروز ابعاد و پیچیدگی های خاصی را بروز می دهد. طبعاً نیروی معارض با چنین دیدگاهی به همه طرق ممکن سعی در نابودی و محو چنین منظری به جهان و انسان دارند؛ و در این راه از هیچ برنامه ای غافل نخواهد بود. پس از طی کردن دوران مقابله سخت جمهوری اسلامی با جبهه کفر، به منظور بقای سیاسی و فکری خویش که دستاوردی چون دفاع مقدس را به همراه داشت، عرصه تقابل به فضاهای نرم و هوشمند رسیده است. البته از ابتدا از این نوع جنگ وجود داشته لیکن شدت و حجم آن گسترش یافته است. حوزه ها و فضاهای گوناگون علمی، اقتصادی و سیاسی شاهد این تقابل بوده و هستند اما در سال های اخیر و با شکست تهاجمات دشمن در عرصه های مختلف تحریم های شدیدتر در دستور کار قرار گرفته است (پیغامی، ۱۳۹۰).

تحریم، جزئی از دیپلماسی بین المللی حاکم بر جهان کنونی است که از سوی کشورهای تحریم کننده به عنوان ابزاری غیرنظامی برای اجبار نمودن دولت های کشورهای هدف جهت انجام واکنش مورد نظر اعمال می شود. به عبارت دیگر، تحریم عملی دسته جمعی و کیفری است که متضمن اقدامات لازم دیپلماتیک، اقتصادی یا نظامی در برابر کشورهای می باشد که برخلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است (ایلر، ۲۰۰۷).

از آغاز قرن بیستم و یکم، همچون قرن پیش، تحریم اقتصادی به عنوان یک سیاست خارجی پراهمیت و اسلحه مرگبار جایگزین جنگ مطرح است. «تحریم اقتصادی» به معنی اقدامات غیرنظامی که بر انتقال کالا، خدمات و یا سرمایه به یک کشور خاص جلوگیری کرده، بدین ترتیب تأثیر نامطلوبی می گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه و یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با اهداف سیاسی دولت تحریم کننده و یا بیان ناخرسندی کشورهای تحریم کننده از اقدامات و رفتارهای آن کشور است (دروری، ۲۰۰۵).

برای نمونه، در ۳۰ آوریل، سال ۱۹۹۵ میلادی رئیس جمهور وقت آمریکا (کلینتون) ممنوعیت وسیعی برای تجارت و سرمایه گذاری در ایران را وضع کرد (آیین نامه اجرایی، ۱۳۳۸۲، سازمان خزانه داری آمریکا). در سال ۲۰۱۰ باراک اوباما همانند جورج بوش این تحریم را تمدید کرد (آیین نامه اجرایی، ۱۲۹۵۹، سازمان خزانه داری آمریکا). البته در بهار ۲۰۱۳ تعدادی از شرکت های پتروشیمی و تجاری ایران در صنعت خودرو نیز برای اولین بار به لیست سیاه تحریم ها اضافه شد. بر اساس این تحریم های بی سابقه در صنعت خودرو که شرکت های کره ای پیشتر آن هستند، کشورها و شرکت های طرف فعالیت با خودروسازان ایرانی در صورت هرگونه خرید، تأمین یا انتقال کالاها و خدمات مورد استفاده در صنعت خودروسازی ایران، با برخورد شدید دولت آمریکا مواجه خواهند شد (به این بهانه که برخی از تجهیزات این صنعت برای زیرساخت های هسته ای استفاده می شود). باوجود شوک های مختلفی که تحریم های بین المللی در طول این سال ها به اقتصاد ایران وارد کرده است، بخش های واقعی (غیر پولی) به خصوص صنعت خودروسازی این کشور به دلیل سیستم حمایت از تولیدات داخلی و همچنین روابط گسترده تجاری با چین، اروپای شرقی و برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس انعطاف پذیری بیشتری از خود نشان داده اند. با این حال، عدم دسترسی به امکانات و منابع مالی همچنان می تواند به عنوان اصلی ترین چالش پیش روی خودروسازان ایران باشد؛ بنابراین اگر به دنبال آن باشیم که صنعت خودروسازی این کشور را در مسیری پایدار با رشد مداوم قرار گیرد باید به سوی جامعه بین المللی بازگرد. بدون شک، پایان سوت تحریم ها در این زمینه بسیار مفید و سودمند خواهد بود. از آنجائی که تحریم های مختلف، سطوح مختلفی از میزان آسیب پذیری را نشان می دهند. بخش مالی شدیداً تحت تأثیر مخرب تحریم ها قرار گرفته اما بخش های واقعی تر به علت حمایت از تولیدات داخلی و همین طور شرکای تجاری جدید، توانسته اند دوام بهتری از خود نشان دهند و این ها سبب شده است که کشور از نتایج فاجعه بارتر جلوگیری کند. از آنجایی که صنایع خودروسازی در ایران دومین صنعت بزرگ این کشور است توانسته سوپاپ اطمینانی در تحریم ها باشد. حال مسئله این است، آیا این صنعت توانسته خود را از انزوای اجباری نجات دهد؟

با توجه به اینکه، تحریم های شدیدتر اقتصادی، محدودیت های کسب و کار داخلی و ارتباطات خارجی در دستور کار قرار گرفته است باعث شده است رهبر انقلاب اسلامی ادبیات و عرصه جدیدی را برای استمرار و اقتدار ملی و اقتصادی کشور ترسیم کنند. این عرصه با ظهور مفهومی به نام «اقتصاد مقاومتی» تجلی یافته است. آنچه عموماً از مقاومت اقتصادی برداشت می شود، مواجهه با تحریم اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور بر اساس فرض وجود حداکثر تحریم ها و فشارها، به صورت فعال نه منفعل، طراحی می شود. درواقع اقتصاد مقاومتی، بنیان نظری و عملی برای مدل سازی گونه ای ویژه از اقتصاد است که فعلاً نه خود را برای مواجهه با تحریم ها، پیش از پیش آماده ساخته است. مکانیسم های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه ای و. در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی می شود که کشور در تعارض اندولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریم های اقتصادی نه تهدید بلکه فرصت ویژه ای هستند که زیر فشار آن ها می توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده سازی آن ها را تسریع کرد (پیغامی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، رویکرد تاب‌آوری یکی از مفاهیمی است که قرابت زیادی با اقتصاد مقاومتی دارد. رویکرد تاب‌آوری به معنای اتخاذ تدابیری به منظور حفظ عملکرد یک سیستم به هنگام مواجهه با مخاطرات، تهدیدات و تنش‌ها است. همان‌طور که در شهری سازی برای مقابله با زلزله که زمان وقوع و ابعاد آن مشخص نیست، تأسیسات و امکانات شهری را در برابر آن مقاوم می‌سازند و به گونه‌ای تأسیسات شهری و خدمات آن طراحی می‌شود که در صورت وقوع زلزله، کمترین آسیب به شهر وارد شده و شهر بتواند به کارکرد خود ادامه دهد. در موضوع تاب‌آوری زیر سیستم‌ها اقتصادی، اجتماعی و سازمانی به گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند مخاطرات درونی و بیرونی را جذب کرده و خود را با محیط بسیار متحول با حفظ ثبات و کارکردهای سیستم، انطباق دهند (مجله اینترنتی بحران و سوانح).

به نظر می‌رسد با استفاده از ادبیات تاب‌آوری به نحو مناسب‌تری می‌توان روح حاکم بر بخش عمده‌ای از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تبیین نمود و ترویج داد.

در این تحقیق تلاش شده است ضمن آشنایی با تحریم اقتصادی و آثار آن، آشنایی با ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی در فضای تحریمی، همچنین شناسایی و ایجاد تاب‌آوری اقتصادی تا بدین طریق مجموعه سیاست‌هایی را برای اجرا در اختیار مجریان و متولیان امر در تمام سازمان‌ها ادارات و در سطح ملی قرار دهد. باشد که فعالیت انجام گرفته مقدمه‌ای برای سلسله طراحی‌های نظری و عملیاتی برای تحقق خواسته‌های رهبری باشد.

۱. تعریف نظری تحریم اقتصادی

تحریم جزئی از دیپلماسی بین‌المللی حاکم بر جهان کنونی است که از سوی کشورهای تحریم کننده به عنوان ابزاری غیرنظامی برای اجبار دولت‌های کشورهای هدف جهت انجام واکنش‌های موردنظر اعمال می‌شود. منظور از تحریم اقتصادی، کاهش یا متوقف ساختن، یا تهدید به توقف روابط اقتصادی و مالی متعارف و تجاری با کشور هدف از سوی دولت کشور تحریم کننده است. درواقع تحریم سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و وارد عمل می‌کند.

نهاد تحریم کننده ممکن است دولت یک یا چند کشور از قبیل آمریکا و یا یک سازمان بین‌المللی از قبیل سازمان ملل باشد. کشور هدف، کشوری است که مستقیماً مورد اعمال سیاست‌های تحریم واقع شده است (بی‌نیازی، ۱۳۹۰).

همان‌طور که از تعریف پیداست دو نوع تحریم اقتصادی است. اول تحریم تجاری، دوم تحریم مالی. تحریم تجاری بر روی صادرات و واردات کالای خاص یا کالاهایی به کشور هدف صورت می‌گیرد. تحریم مالی متوجه جریان مالی کشور است مانند تحریم بانک‌ها و بانک مرکزی (حجت‌الله عبدالملکی، ۱۳۹۳).

۱-۱ انواع تحریم و اثرات آن:

انواع مختلف تحریم به لحاظ نظری و همچنین با بررسی پیشینه تاریخی تحریم‌های اقتصادی، به هفت نوع تحریم علیه ایران دست‌یافته‌ایم که بااهمیت سنجی و رتبه‌بندی وزنی هرکدام (نرمال شده به یک) به‌دست آمده است. انواع این تحریم‌ها به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: ۱- تحریم مالی، بانک‌های تجاری و مرکزی (۰/۴۱۶)؛ ۲- تحریم اتحادیه اروپا و سازمان بین‌المللی (۰/۱۹۸)؛ ۳- تحریم تجاری (صادرات و واردات) و سرمایه‌گذاری (۰/۱۵۲)؛ ۴- تحریم نفتی (۰/۱۲۰)؛ ۵- تحریم دانش و تکنولوژی (۰/۰۴۹)؛ ۶- توقیف اموال و دارای افراد و سازمان‌های ایرانی در خارج از کشور (۰/۰۳۹) و ۷- تحریم دادوستد با افراد و سازمان‌ها و ارگان‌های ایرانی (۰/۰۲۶). با توجه به روند تاریخی تحریم‌های اقتصادی، در هر سال ایران متحمل تعدادی از این انواع تحریم‌ها بوده است. به‌طور کلی تحریم در سال‌های پس از انقلاب را با توجه به شدت آن به سه دسته تقسیم کرد. ۱- سال‌هایی با تحریم ضعیف (کمتر از ۰/۳)، ۲- سال‌هایی با تحریم متوسط (بین ۰/۳ تا ۰/۶) و سال‌هایی با تحریم شدید (بیشتر از ۰/۶). بر این اساس از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۴ سال‌هایی با تحریم ضعیف و از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ تحریم متوسط و از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ سال‌هایی با تحریم شدید می‌باشد.

نتایج تخمین کوتاه‌مدت نشان می‌دهد که اعمال تحریم‌های ضعیف تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته. ولی تحریم‌های متوسط و قوی در کوتاه‌مدت به ترتیب با ضرایب ۰/۰۰۹۸ و ۰/۴۳ تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. هرچند تأثیر تحریم‌های قوی در بلندمدت دارای قدرت توزیع دهنده‌گی بالایی نمی‌باشد. این نتیجه کاملاً با مبانی نظری تحریم‌ها همخوان است. به دلیل این که تحریم‌های ضعیف به‌سادگی با روش‌های دور زدن تحریم، پوشش داده می‌شود؛ اما تحریم‌های متوسط و قوی بر تولیدات ناخالص اثر می‌گذارد. نتایج نشان می‌دهد اعمال تحریم‌های اقتصادی ضعیف و قوی در بلندمدت تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته ولی تحریم‌های متوسط با ضرایب ۰/۰۲۴ در بلندمدت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. در بلندمدت نتایج کاملاً متفاوت است.

زیرا در مورد تحریم‌های ضعیف به همان روش کوتاه‌مدت تأثیر تحریم‌ها را خنثی و لذا تأثیری بر رشد تولید نخواهد داشت. همچنین همان‌طور که گفته شد، تأثیر تحریم‌ها در بلندمدت کمرنگ‌تر می‌شود. به‌ویژه زمانی که تحریم‌ها قوی باشد، کشور هدف به‌شدت سعی می‌کند تا در بلندمدت ساختار خود را در برابر آن مقاوم ساخته و تأثیر آن را خنثی سازد. این همان تبدیل تهدید تحریم به فرصت

مقاوم سازی ساختارهای اقتصادی است که بسیاری از صاحب نظران به آن اشاره می کنند؛ و در تحریم های ضعیف کشور لازم نمی داند ساختار اقتصادی خود را تغییر دهد و از طریق دور زدن تحریم ها اثر آن را خنثی می کند. در تحریم های قوی به دلیل تأثیر شدید تحریم ها بر فضای اقتصادی کشور هدف تصمیم به تغییر ساختارهای اقتصادی و مقاوم سازی آن نموده و تأثیر تحریم ها را در بلندمدت خنثی می کند؛ اما در مورد تحریم های متوسط به طور کامل نمی توان تأثیر تحریم ها را خنثی نمود لذا در بلندمدت نیز این نوع تحریم ها بر رشد تولید تأثیر قابل توجهی خواهد داشت. نکته ای قابل توجه این است تصمیم گیران با برنامه ریزی بلندمدت به ویژه برای تحریم های متوسط می توانند تأثیر تحریم ها را خنثی نموده و ساختارهای اقتصادی را در برابر آن مقاوم سازند.

در مجموع ۸ رهیافت را می توان در این برنامه ریزی بلندمدت مدنظر قرارداد. این رهیافت عبارتند از: ۱- شناسایی نقاط آسیب پذیر و برنامه ریزی برای رفع آن، ۲- کنترل تعاملات بین المللی، ۳- کاهش وابستگی به تولیدات خارجی، ۴- کنترل کسری تراز پرداخت ها و متنوع سازی نظام ارزش کشور ۵- دیپلماسی فعال، ۶- حمایت از اقشار آسیب پذیر، ۷- مدیریت مناسب افکار عمومی و ادراک مردم، ۸- پیگیری رهیافت های اقتصاد مقاومتی؛ بنابراین شناخت اقتصاد مقاومتی و سیاست های کلی آن لازم و ضروری به نظر می رسد که در ادامه مطلب به آن پرداخته می شود (فدایی، درخشان، ۱۳۹۴).

۲. تعریف نظری اقتصاد مقاومتی

بر اساس صحبت هایی که مقام معظم رهبری مطرح کرده است اقتصاد مقاومتی را به طور خلاصه این گونه می توان تعریف کرد : اقتصادی که در شرایط دشواری، تهدید و دشمنی به اهداف خودش برسد. درواقع اقتصاد مقاومتی همان است که باوجود تلاطم ها، دشمنی ها، باوجود فضای ناملایمی که در درون خودش یا به صورت تحمیلی از خارج بران حاکم می شود، بتواند آن اهدافی را که برای خودش تنظیم کرده، محقق کند و به آن ها برسد، چنین اقتصادی اقتصاد مقاومتی خواهد بود. مقام معظم رهبری نیز چندین بار تأکید کردند که ساختن چنین اقتصادی به طور منطقی و در دستور کار همه کشورها و همه حکومت ها به طور طبیعی خواهد بود. ماهیت اقتصاد مقاومتی، می توان گفت که اقتصاد مقاومتی نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام است. نظام اقتصادی اسلام درواقع خروجی مکتب اقتصادی اسلام برای زمانی است که در یک شرایط واقعی و در یک شرایط زمانی و مکانی خاص، می خواهد به وقوع بپیوندد.

اقتصاد مقاومتی به دنبال پیاده کردن مکتب اقتصادی اسلام است و این، همان چیزی بود که در چارچوب مبانی اقتصادی انقلاب اسلامی هم در شریعتی به نام اسلام وجود دارد که در چارچوب آن شریعت، در دوران معاصر، یک انقلاب به اسم انقلاب اسلامی اتفاق می افتد که به دنبال پیاده کردن اهداف آن شریعت الهی است. اهداف قریب یا تفضیلی اقتصاد مقاومتی که همان اهداف انقلاب اسلامی هستند در سه عنوان کلی خلاصه می شوند: استقلال اقتصادی- رفاه عمومی و پیشرفت اقتصادی (پژوهنده، ۱۳۹۴).

۲-۱- سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

نیمه دوم سال ۱۳۹۲ نقطه عطف در جریان اقتصاد مقاومتی است، به جهت اینکه یک اتفاق قانونی و حقوقی مهمی رخ داد و آن، ارائه و ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از طرف مقام معظم رهبری بود. این مجموعه دو قسمت اصلی دارد، قسمت اول که همان مقدمه که به قلم خود مقام معظم رهبری بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است و قسمت دوم متن سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی است که در ۲۴ بند ارائه شده است. در مقدمه، مقام معظم رهبری تأکید می کنند که کشور دچار یک جنگ تمام عیار اقتصادی است و این که اقتصاد مقاومتی، شرایط لازم را برای پیروزی در این جنگ و همچنین، مقدماتی را برای ادامه پیشرفت کشور در حوزه اقتصادی باوجود همه موانع داخلی و خارجی فراهم خواهد کرد. ایشان بیان کرده اند که اقتصاد مقاومتی، می تواند آرمان های اقتصادی ما را محقق کند. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۱. تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.
۲. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.
۳. محور قرار دادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع در جغرافیای مزیت های مناطق کشور.
۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی.

۵. سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن ها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
۶. افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی به ویژه در اقلام وارداتی و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی باهدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
۷. تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید برافزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.
۹. اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور باهدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
۱۰. حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:
 - تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم.
 - گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت های مورد نیاز.
 - تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات.
 - برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
 - استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
 - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات باهدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
۱۲. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق:
 - توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان.
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف های اقتصادی.
 - استفاده از ظرفیت های سازمان های بین المللی و منطقه ای.
۱۳. مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
 - انتخاب مشتریان راهبردی
 - ایجاد تنوع در روش های فروش
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش
 - افزایش صادرات گاز
 - افزایش صادرات برق
 - افزایش صادرات پتروشیمی
 - افزایش صادرات فرآورده های نفتی
۱۴. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید نفت و گاز، به ویژه در میدان ها مشترک.
۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت از منابع.
۱۶. صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و غیر ضروری هزینه های زائد.
۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.
۱۹. شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در حوزه های پولی، تجاری، ارزی و...

۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رأی ملی.

۲۲. دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان و اقدامات مناسب.
- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

۲۳. شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

وقتی به این سیاست‌ها در کنار هم نگاه می‌کنیم می‌بینیم که دو حوزه جدی مورد تأکید این سیاست‌هاست: یک حوزه تقویت تولید ملی است و حوزه دیگر، تأکید بر فرهنگ جهادی است. می‌توان گفت که تمام این ۲۴ سیاست در زیر چتر جهاد اقتصادی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و مدیران کشور با این رویکرد جهادی است که خواهند توانست در صورت نیاز، این سیاست‌ها را به قانون تبدیل کنند و آن قوانین را فعلیت برسانند و آن اهدافی را که به‌عنوان اهداف میانی و غایی اقتصاد مقاومتی موردنظر هست محقق کنند.

و هم‌چنین ضرورت‌های اتخاذ رویکرد اقتصاد مقاومتی در ایران عبارت است از:

۱. عدم تحقق کامل اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی و خصوصت‌های خارجی
 ۲. خصوصت‌های اقتصادی دشمنان خارجی و علل تشدید آن در سال‌های اخیر
 ۳. خصوصت‌های اقتصادی داخلی یا ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌های اقتصاد داخلی (حجت‌الله عبدالملکی، ۱۳۹۳).
- وجه اشتراک اقتصاد مقاومتی به مفهوم توانمندسازی اقتصاد ملی در مقابل تغییرات، مخاطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی بر سر راه پیشرفت و دستیابی به اهداف چشمان انداز کشور و استفاده از فرصت‌های آن‌ها با متون علمای رایج در حوزه اقتصاد، تاب‌آوری است. زمانی یک سیستم اجتماعی تاب آور است که بتواند مخاطرات موقت یا دائم را جذب کرده و خود را با شرایط به‌سرعت در حال تغییر انطباق دهد، بدون اینکه کارکرد خود را از دست بدهد؛ بنابراین آگاهی از مبحث تاب‌آوری می‌تواند در اجرایی نمود و ارزیابی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و شاخص سازی برای آن مفید و مؤثر باشد.

۳. تعریف نظری تاب‌آوری

ریشه کلمه Resilience (تاب‌آوری)، کلمه لاتین Resilio به معنی حالت ارتجاعی داشتن است که در قرن ۱۷ میلادی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. بوم‌شناسان برای نخستین بار مفهوم کلی آن را بیش از ۲۰ سال پیش پذیرفتند. از آن زمان به بعد، این واژه برای مورد بلایای کوتاه‌مدت و پدیده‌های بلندمدت مانند تغییر آب‌وهوا مورد استفاده قرار گرفت. هالینگ نخستین کسی بود که تاب‌آوری را در بوم‌شناسی تعریف کرد؛ توانایی سیستم‌ها در جذب تغییرات و ایستادگی در مقابل آن‌ها، وی هم‌چنین به ظرفیت بافر اشاره کرد و تاب‌آوری را بر اساس اندازه شوکی که جذب می‌شود، انداز گیری کرد. پیم، تعریف بوم‌شناختی دیگری ارائه داد و تاب‌آوری را بر حس سرعت بازگشت سیستم به تعادل تعریف نمود. آدور (۲۰۰۰) از نخستین کسانی بود که تا حدی تعریف تاب‌آوری بوم‌شناختی را به جوامع انسانی گسترش داد. وی تا آوری اجتماعی را به سرمایه اجتماعی مرتبط کرد و آن را بر حس عوامل اقتصادی (مانند استقلال منابع)، نهادها (مانند حقوق مالیات و مسائل جمعیتی مانند مهاجرت اندازه‌گیری کرد).

در علوم پایه و مهندسی، تاب‌آوری پیشینه‌ای طولانی دارد و یک ویژگی سرعتی محسوب می‌شود. بر اساس این تعریف، مدت‌زمانی که صرف‌نظر از نوسان موردنیاز پس از بروز تنش یک سازه یا سیستم به حالت تعادل اولیه بازمی‌گردد، تاب‌آوری آن را مشخص می‌سازد (غیاثوند، عبدال شاه، ۱۳۹۴).

در روانشناسی تاب‌آوری به‌عنوان یکی از سازه‌های اصلی شخصیت برای فهم انگیزش، هیجان و رفتار مفهوم‌سازی شده است (بلاک، ۲۰۰۲). ورنر و اسمیت (۱۹۹۲) تاب‌آوری را سازوکار ذاتی خود اصلاح‌گری انسان می‌دانند. افرون بر آن به باور ورنر (۱۹۹۷)، تاب‌آوری، صرف‌نظر از خطرات تهدیدکننده، عاملی بالقوه در همه افراد برای تغییر است. بلاک (۲۰۰۲) بر این باور است که تاب‌آوری، توانایی

سازگاری سطح کنترل برحسب شرایط محیطی می باشد افراد خود تاب آور دارای رفتارهای خود شکنانه نیستند؛ از نظر عاطفی آرام هستند و توانایی تبدیل شرایط استرس زا را دارند (لتزینگ، بلاک و فوند، ۲۰۰۵). هسته مرکزی سازه تاب آوری را این پیش فرض تشکیل می دهد که فطرتی زیست شناختی برای رشد و کمال در هر انسان وجود دارد (برای نمونه طبیعت خود -اصلاح گری ارگانیسم انسانی) که به طور طبیعی و در شرایط معین محیطی می تواند آشکار شود. به باور ماستن (۲۰۰۱) هنگامی که فاجعه از سر بگذرد و نیازهای اولیه انسانی تأمین گردد، آنگاه تاب آوری به ظهور می رسد. در نتیجه قراین تاب آوری، اثرات ناگوار، اصلاح یا تعدیل می شوند و یا حتی ناپدید می گردند (نریمانی، عباسی، ۱۳۸۸).

کانر و دیویدسون (۲۰۰۵) معتقدند تاب آوری، تنها پایداری در برابر آسیب ها یا شرایط تهدید کننده نیست، بلکه شرکت فعال و سازنده فرد در محیط است. آن ها تاب آوری را توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی روانی در شرایط خطرناک می دانند. همچنین تاب آوری در مورد کسانی به کار می رود که در معرض خطر قرار می گیرند ولی دچار اختلالات روان شناختی قرار نمی گیرند. تاب آوری باعث می شود که افراد در شرایط دشوار و باوجود عوامل خطر از ظرفیت های موجود خود در دستیابی به موفقیت و رشد زندگی فردی خود استفاده کنند و از این چالش ها و آزمون ها به عنوان فرصتی برای توانمند کردن خود بهره جویند و از آن ها سربلند بیرون بیایند.

در مباحث مدیریتی و رفتار سازمانی نیز بحث تاب آوری به عنوان یک فرایند مورد توجه قرار می گیرد؛ به طوری که تاب آوری را یک راهبرد مدیریت ریسک و زیر عنوان مدیریت بحران و تداوم قرار می دهند. در این بُعد، تاب آوری در زیر تعریف می شود: ظرفیت مردم و سیستم ها که عملکرد سازمانی را تسهیل کنند تا روابط کارکردی را باوجود آشفتگی ها حفظ نمایند. در سال های اخیر تعاریف به نسبت دقیق تری از تاب آوری در اقتصاد نیز ارائه شده است. از نظر آدام رز (۲۰۰۹) تاب آوری در اقتصاد می تواند به دو صورت ایستا و پویا تعریف شود. تاب آوری اقتصادی ایستا توانایی یک سیستم در حفظ وظیفه اش مانند تداوم تولید به هنگام بروز شوک است. این تعریف با مسئله بنیادی اقتصاد یعنی تخصیص کارای منابع هم تراز است که به هنگام وقوع فجایع تشدید می شود. دلیل این که به عنوان ایستا تعریف می شود، این است که می تواند بدون تعمیر و بازسازی که نه فقط سطح جاری فعالیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه همچنین می تواند مسیر زمانی آینده آن را نیز تحت تأثیر قرار دهد، به دست آید (غیاثوند، عبدالشاه، ۱۳۹۴).

۳-۱- شاخص تاب آوری آژانس توسعه بین المللی آمریکا

آژانس توسعه بین المللی آمریکا USAID تاب آوری را توانایی مردم، خانوارها، جوامع، کشورها و سیستم ها نظام ها برای تسکین، وفق دادن و بهبود پیدا کردن از شوک ها و تنش ها تعریف می کند که این توانایی ها به کاهش آسیب پذیری و تسهیل رشد فراگیر منجر می شود. برای تجزیه و تحلیل تاب آوری، ۱۰ عامل تاب آوری شامل مشروعیت و اثربخشی نهادها، در دسترس بودن، کارایی، تنوع و فراوانی منابع و شبکه ها و اتصالات، نگارش ها و هنجارها، نوآوری و حافظه نهادی، در ۳ گروه نهادها، منابع و تسهیل کننده ای تطبیقی طبقه بندی می شوند. نهادها، قوانین و مقرراتی را ارائه می کنند که جوامع را حکمرانی می کنند؛ منابع، دارایی های ملموس در دسترس برای آن هاست و تسهیل کننده ای تطبیقی، عناصر غیر ملموس سرمایه و الگوهای اجتماعی هستند که محیط مناسبی را برای تاب آوری ایجاد می کنند تا پس از وقوع شوک ها، اقتصاد جهش بهتری داشته باشند.

برای مثال، شبکه ها و اتصالات گره هایی را در جامعه و بین نهادهای دولتی و اجتماع ایجاد می کنند. هر چه که مردم آن جامعه و گروه های اجتماعی و دولت بیشتر به هم متصل و متحد باشند، بهتر می توانند در مقابل شوک ها مقاومت کنند و راه های جدیدی برای تعدیل شرایط پیدا کنند. عوامل تاب آوری در سیستم های مختلفی مورد مطالعه قرار می گیرند که یکی از مرسوم ترین این دسته بندی های سیستم ها، طبقه بندی ۵ گانه سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است که در مطالعات دیگر نیز به چشم می خورد. روش به کارگیری این چارچوب بر پایه تجزیه و تحلیل سه مرحله ای است: نخستین گام، تجزیه و تحلیل محتوایی است که به وسیله تجزیه و تحلیل عاملی زیر سیستم ها دنبال شد و با تجزیه و تحلیل تاب آوری به پایان می رسد. جدول یک اجزای سه گام ساخت شاخص تاب آوری را نشان می دهد.

تجزیه و تحلیل محتوایی	سابقه کشور تعریف جوامع تجزیه و تحلیل در معرض شوک ها و تنش ها قرار گرفتن جامعه
تجزیه و تحلیل عاملی	بیان ریاضی پرسش های مشخصی برای زیرسیستم ها گردآوری داده ها ترکیب داده ها تجزیه و تحلیل داده ها
تجزیه و تحلیل تاب آوری	تجزیه و تحلیل شوک بین بخشی و اثر محرک تنش زا. تجزیه و تحلیل جامع چگونگی در معرض شوک قرار گرفتن و عوامل تاب آوری جهت مشخص کردن تاب آوری نسبی زیرسیستم. تجزیه و تحلیل اینکه تا چه حد زیرسیستم ها توانایی تسکین، تطبیق و بازیابی در مقابل شوک ها و تنش ها را دارند.

جدول (۱): مراحل سه گانه ساخت شاخص تاب آوری USAID

۳-۲- شاخص ۲۰۱۴ تاب آوری جهانی FM

این شاخص که توسط Oxford Metrical و به صورت سالانه ارائه می شود، دارای سه مؤلفه اقتصادی، کیفیت ریسک و زنجیر تأمین است. شاخص تاب آوری جهانی FM یک رتبه بندی سالانه از ۱۳۰ کشور بر اساس تاب آوری تجارتشان نسبت به اختلال در زنجیر عرضه را ارائه می کند. ریسک زنجیره عرضه با افزایش جهانی تر شدن، پیچیدگی تر شدن و وابستگی، نگرانی مهم و در حال رشدی برای مجریان سطح ارشد تجارت است. این گزارش ابتدا چارچوبی برای شاخص ۲۰۱۴ تاب آوری جهانی FM ارائه می کند، سپس، ۹ متغیری که از ترکیب آن ها شاخص ساخته می شود، تعریف می شوند.

یک تعریف ساده از هر جزء در جدول زیر ارائه شد است.

عوامل	تعریف
	اقتصادی
GDP سرانه	تولید ناخالص داخلی در پول ملی با استفاده از نرخ ارز بازار تبدیل به دلار آمریکا شد و بر کل جمعیت تقسیم شده است.
ریسک سیاسی	احتمال اینکه دولت توسط ابزارهای خشونت یا خلاف قانون اساسی از جمله خشونت و تروریسم با انگیزه سیاسی، بی ثبات یا برانداخته شود.
شدت نفت	آسیب پذیری نسبت به یک شوک نفت کمبود، اختلال، افزایش قیمت نفت، مصرف نفت تقسیم بر GDP
	کیفیت ریسک
قرار گرفتن در معرض بلایای طبیعی	درصد مکان هایی از کشور که حداقل در معرض یک خطر طبیعی هستند: زلزله، باد یا طوفان
کیفیت مدیریت ریسک بلایای طبیعی	سطح بهبود ریسک خطر طبیعی با ریسک های خطر طبیعی ذاتی در هر کشور به دست می آید
کیفیت مدیریت ریسک آتش سوزی	سطح بهبود ریسک آتش سوزی با ریسک ها آتش سوزی ذاتی در هر کشور به دست می آید.
	زنجیره عرضه
کنترل فساد	درک این موضوع که تا چه حد قدرت دولت برای منفعت خصوصی از جمله شکل های زیبا و باشکوه فساد و همچنین وضعیت نخبگان و منافع خصوصی به کار می رود را منعکس می کند.
زیرساخت	کیفیت زیرساخت عمومی شامل حمل و نقل، تلفن و انرژی را منعکس می کند.
کیفیت عرضه داخلی	کیفیت عرضه کنندگان محلی را منعکس می کند.

جدول (۲): تعریف استخراج شده از شاخص تاب آوری

رتبه بندی کامل در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ برای شاخص تاب آوری جهانی و هر سه عامل اقتصادی، کیفیت ریسک و زنجیره عرضه ارائه شد است. نتایج نشان می دهد که نروژ بر اساس شاخص ۲۰۱۴، تاب آور ترین کشور در مقابل اختلال زنجیره عرضه بود و سوئیس در رتبه دوم قرار دارد. نمره این کشور روی کنترل فساد، زیرساخت گسترده و کارا و کیفیت عرضه کنندگان محلی بسیار بالا بوده است (همان منبع).

۴. بحث و نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی باید این نکته را متذکر شد که کشور ایران سال هاست مورد تحریم های اقتصادی قرار گرفته است. همه ارگان ها، سازمان ها و شرکت ها تحت تأثیر این تحریم ها قرار می گیرند. نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصاد متناسب با این چالش ها و تهدیدهای ناشی از تحریم ها، فرامی خواند. درواقع حیات نظام اقتصادی کشور درگرو مقاومتی علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه، بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و الهام بخش در تحولات جهان میسر سازد. اقتصاد مقاومتی به معنای آمادگی روحی و عملی برای مقاومت در برابر حملات اقتصادی دشمن و پاسخ به آن در کوتاه مدت و حرکت به سمت طراحی الگوی اقتصادی اسلامی در چارچوب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در درازمدت است. از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی، مدیریت مخاطرات است که به نظر بسیاری از پژوهشگران، تاب آوری یکی از مهم ترین موضوعات برای دستیابی به این هدف است. از آنجاکه مخاطرات و نا اطمینانی های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران های مالی، اقتصادی و سیاسی رو به افزایش است، همچنین، در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی بر مدیریت مخاطرات اقتصادی تأکید شده ست، بنابراین، پیشنهاد می شود در مرحله اول به شناسایی مخاطرات از جمله مخاطرات اقتصادی که کشور با آن ها مواجه است، پرداخته و در مرحله دوم تاب آوری را برای مقابله با مخاطرات گوناگون ارزیابی کنند. در نتیجه آگاهی از مباحث تاب آوری می تواند در اجرایی نمودن و ارزیابی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و شاخص سازی برای آن مفید و مؤثر باشد.

منابع و مراجع

- [۱] بی‌نیازی، علی، ۱۳۹۰، تحولات اخیر خاورمیانه و تحریم‌های اقتصادی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳، ۱-۳۳.
- [۲] پژوهنده، محمدحسین، ۱۳۹۴، موانع تحقق اقتصاد مقاومتی، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره سوم، دوره ۲۱.
- [۳] پیغامی، عادل، ۱۳۹۰، مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی، نوشتاری از دکتر پیغامی، پیرامون اقتصاد مقاومتی.
- [۴] نریمانی، محمد، عباسی، مسلم، ۱۳۸۸، بررسی ارتباط سرسختی روانی و تاب‌آوری با فرسودگی شغلی، فصلنامه فراسوی مدیریت سال دوم، شماره هشت، ۷۵-۹۲.
- [۵] فدائی، مهدی؛ درخشان، مرتضی؛ ۱۳۹۴، تحلیل اثر کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران، سال پنجم، شماره ۱۲۳، ۱۸.
- [۶] غیاثوند، ابوالفضل؛ فاطمه عبدالشاه، ۱۳۹۴، فصلنامه روند، شماره بیست و دوم، شماره ۷۱، ۱۰۶-۷۹.
- [۷] عبدالملکی، حجت‌الله، (۱۳۹۳) «اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل»، جلد اول، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- [8] <https://farsi:Khamenei.ir/others-note?id=20551>
- [9] Eyler, R. (2007). Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work. Palgrave Macmillan.
- [10] Drury, A. C. (2005). Economic Sanctions and Presidential Decisions: Models of Political Rationality. London: Palgrave Macmillan.